

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
۱۶ می ۲۰۰۳

آرزو

آرزو بود مرا ، بالغ دوران گردهم
بروم مکتب و از جمع دبیران گردهم
آرزو بود مرا با قلم و کاغذ و رنگ
باعث خدمت بر عالم انسان گردهم
آرزو بود مرا وحدت عالم به جهان
شود اعلان و من از جمع مریدان گردهم
آرزو بود مرا صلح بیاید به جهان
تا که لبخند لب خرد و بزرگان گردهم
آرزو بود مرا از شجر نخل وجود
صاحب برگ و گل و میوه عرفان گردهم
آرزو بود مرا عطر گل آید به مشام
ارغوان موج زند ، مست و غزالخوان گردهم
آرزو بود مرا خاطره دور شباب
فصل پیری به سرم آید و خندان گردهم

آرزو بود مرا حنجره عبدالله
منبع نغمه و ، من ناظم الحان گردهم
آرزو بود مرا غنچه گل مریم ناز
که شکوفا شود و بنده نگهبان گردهم
آرزو بود مرا شاخه پیوندی وصل
گل امید به بار آرد و شادان گردهم
آرزو بود مرا میوه شیرین وصال
ز وفا چیده و از جمله مستان گردهم
آرزو بود مرا ، آرزو آید به جهان
در بغل گیرم و از زمره پیران گردهم
آرزو بود مرا ، آرزو آمد به جهان
حاضرم جان به فدا کرده و قربان گردهم
آرزو بود مرا ، تازه رسیدم به یکی
دارم امید که شایسته ایشان گردهم
آرزو بود مرا «نعمت» ، هزار و صد هزار
ایزدا ! آنچه رضای تو بود ، آن گردهم